

آیا ایمانداران مسیحی باید بزبانها متکلم شوند؟
 این سؤالی است که برای هر مسیحی که به ماجرای عجیب زبانها فکر میکند، پیش
 میآید. در حال حاضر سخن گفتن بزبانها از حد پنتیکاستها گذشته و در اکثر
 جوامع مسیحی رواج پیدا کرده است. این موضوع به يك تشکیلات و یا يك اورگان
 بخصوص تعلق ندارد بلکه تاریخی بسیار قدیمی بدنبال دارد و متفق نبوده، که البته
 وصف آن چندان ساده نیست.

مدعیان این مسئله که با افتخار از این موضوع صحبت میکنند، (بنا به گفته کلمه به
 کلمه خودشان) مدعی هستند باینکه: مسیحیانی که بزبانهایی سخن میگویند (که نه
 خود و نه دیگران آن را میفهمند) دارای روح القدس هستند و کسانی که به زبانها
 صحبت نمیکنند دارای روح القدس نبوده و مسیحی بر حسب کلام نیستند! و
 گروهی دیگر که ملایمتر با این مسئله برخورد میکنند ادعا دارند که این فقط يك
 عطای روحانی میباشد و بهمین دلیل همه مسیحیان از این عطایا برخوردار نیستند!
 بعضی از کاتولیکها و پروتستانها نیز بزبانها متکلمند، و جالب است که انسانهای
 بی ایمان و ضد خدا که با کتاب مقدس کاری ندارند، از طریقهای مختلف توسط
 جادو و ارواح راهی برای تکلم بزبان بیگانه پیدا کرده اند.

البته عقاید و افکار زیادی بین انسانهایی است که با این قضیه مخالفت میکنند، برای
 مثال روانشناسان مدعی میباشند که این مسئله يك اختلال روانی در درون انسان
 است که او را به یأس و افسردگی میکشاند.

مسیحیان با این مسئله عکس العمل و برخورد شدیدی از خود نشان میدهند. بعضی
 این مسئله را به مسخره میگیرند، بعضی از این حادثه میترسند و بعضی از خود
 میپرسند: آیا من از داشتن این عطایا محروم هستم؟ چرا من نمی توانم این ماجرای
 عجیب را در زندگی تجربه کنم؟ آیا زندگی فاقده از پری روح القدس است؟
 عده زیادی از مسیحیان مدعی هستند که تکلم بزبانها در حال حاضر، عملی از
 طرف شیطان میباشد. کسی مینویسد: که این يك مکاشفه جدید از طرف شیطان
 است که در آن (من) در درجه اول قرار گرفته و (نجات) ارزش واقعی خود را از
 دست داده و به يك ایمان مصنوعی تبدیل شده که بجای فکر و مطالعه در کتاب
 مقدس، به هیجان و سر و صدا و در نتیجه فاقد رشد در ایمان میگردد.

برای هر مسیحی که علاقمند به تحقیق و تفتیش در کتاب مقدس و هدایت از طریق
 کلام خدا است، این سئوال پیش می آید که فرق تجربه زبانها در کتاب مقدس نسبت
 به تجربه زبانها در عصر فعلی چیست؟ زمانی که این جملات را در کتاب مقدس
 خوانده و با هم مقایسه کنیم میتوانیم به جواب این سئوال برسیم.

تکلم بزبانها: (برای چه)؟

برای شروع کندوکاومان با جمله ای از کتاب مقدس بحثمان را شروع میکنیم، تا
 در درجه اول بدانیم که هدف از پیدایش زبانها در کتاب مقدس چه بوده؟
 «پس زبانها نشانی است نه برای ایمانداران بلکه برای بی ایمانداران» رساله اول
 به قرنتییان ۱۴:۲۲

البته این جمله را بازتر و دقیقتر میشکافیم. حال با در نظر گرفتن این جمله در

ذهنمان، جملاتی را که در رابطه با زبانها در عهد جدید میباشد را ملاحظه میکنیم. زیبایی و دقیق بودن کلمات مقدس ما را متعجب میکند در جایی که میبینیم که کلمات با یکدیگر مطابقت دارند و این عطایای روحانی نشانه ای برای بی ایمانان بوده است.

معنی کامل کلمه زبان: این کلمه در زبان یونانی به «...^{گلوسا}» معروف است که به سه معنی مختلف میباشد.

۱- زبان: عضوی از اعضای دهان که توسط آن صحبت میکنیم. مرقس ۷: ۳۳

۲- زبان: مکاشفه ۵: ۹

۳- زبان: قدرت غیر طبیعی، یعنی بزبان بیگانه صحبت کردن، بدون اینکه از قبل کلاس زبان رفته و یا یاد گرفته شده باشد.

حال ما خود را فقط با سومین معنی مشغول میکنیم و برای شروع، این جملات را می خوانیم:

مرقس ۱۶: ۱۷... و بزبانهای تازه حرف زنند...

بعد از اینکه خداوند عیسی مسیح بشارگدانش این مأموریت را داد که به تمام عالم رفته و به انجیل موعظه کرده و تعمید دهند، از نشانه هایی صحبت میکند که به کسانی که ایمان آورند رو کرده و دارای این قدرت می شوند که بتوانند به زبانهایی که قبلا یاد نگرفته بودند متکلم شده و انجیل را بشارت دهند.

در باب اول اعمال رسولان به نشانه هایی بر خورد میکنیم که خداوند توسط آنها اعمال رسولان را در زمانی که میان یهودیان بشارت میدادند، تضمین میکند. بدین وسیله صداقت و راستی ایمان این گروه کوچک را که هیچ زمان بزبانی بیگانه تعلیم نیافته بودند را نشان میدهد، آنها در میان چشمهای حیرت زده دنیای بی رحم.

توسط این علائم، خداوند به یهودیان آشکار میکند که ایام آخر رسیده و اشاره به مَهر مسیحیت میکند.

حال بر ایمان سؤال پیش میآید که آیا مبشران و کشیشان در حال حاضر برای بشارت انجیل به این علائم احتیاجی دارند؟ جوابی که پولس رسول به تسالونیکیان میدهد، میتواند جوابی برای این سؤال باشد: زیرا انجیل ما بر شما محض سخن و اردن شده بلکه با قوت و یقین کامل چنانکه میدانید که در میان شما چگونه مردمان شدیم. اول تسالونیکیان ۵: ۱

اگر ما مسیحیان برای بشارت انجیل، خودمان آن چیزی را که ادعا میکنیم در آن نیز زندگی کنیم، بنابراین دلیلی بر علائم و نشانه ها نداریم زیرا وفاداری و نوع زندگیمان در کلام و اعمال، نشان دهنده ایمانمان برای افراد بی ایمان که ما را تحت نظر دارند میباشد.

خداوند امروز نیز مانند سابق می خواهد که همه مردم در قوت روح القدس به ایمان آمده و نجات یابند. در نتیجه احتیاجی نداریم که زمان و نیرویمان را برای بدست آوردن این نشانه ها و علائم بکار ببریم، زیرا خداوند آن را برای شروع مسیحیت در جهان صلاح دید.

(اعمال رسولان ۲: ۱ تا ۱۲) و همه از روح القدس برگشته بزبانهای مختلف بنوعیکه روح بدیشان قدرت تلفظ بخشید بسخن گفتن شروع کردند.

در روز پنطیکاست، بنابه وعده خداوند عیسی مسیح، روح القدس بر همه ایمانداران قرار گرفته و آنها را در يك جسم (بدن عیسی) تعمید داد. آنها از روح القدس پر شده و به زبانها صحبت کردند. بنابراین نشانه همه یهودیانیکه از ممالک دیگر بودند میشنیدند که شاگردان بزبانهای آنها صحبت میکنند و با تعجب به یکدیگر میگفتند: آیا اینها جلیلی نیستند؟ پس چگونه به زبانها تکلم میکنند؟ و این چگونه ممکن است که هر کدام از ما زبانی را که متعلق به زادگاهمان است میشنویم... که چگونه از اعمال بزرگ خداوند سخن میگویند. پطرس از این موقعیت استفاده کرده و بزبانهای امتهای بشارت انجیل و مسیح خداوند را میداد. و در همان روز تخمیناً سه هزار نفر بدیشان پیوسته و ایمان آوردند. جالب است که پطرس بزبانها سخنرانی نمیکرد بلکه بشارت میداد. خداوند از این نشانه استفاده کرد که به یهودیان ثابت کند که (او) به شاگردانش این قدرت را برای ترویج انجیل در میان امتهای داده است.

خداوند این نشانه را بکار برد تا یهودیان باور کرده و ایمان آورند که شاگردان برای بشارت خدمت میکنند. و این مطلب کاملاً با مرقس ۱۶: ۱۷ و عبرانیان ۲: ۳ و ۴ و اول قرنتیان ۱۴: ۲۲ مطابقت دارد. (این آیات را بخوانید)

(اعمال رسولان ۲: ۴۱ تا ۴۷) پس ایشان کلام او را پذیرفته تعمید گرفتند.... و در تعلیم رسولان مواظبت مینمودند.

در کتاب خوانده نمیشود که این ۳۰۰۰ نفری که با ایمان آمده بودند بزبانها صحبت کردند، با وجود اینکه آنها کارهای دیگری انجام دادند که نشانه رشد ایمان و خوشحالی آنها در خداوند بود.

همچنین آن ۵۰۰۰ نفری که در اعمال رسولان ۴: ۴ میخوانیم و در همان باب آیه ۳۱ میخوانیم: که شاگردان بعد از دعا از روح القدس پر شده و با دلیری بشارت کلام خدا را دادند. اما نوشته نشده که کسی به زبانها صحبت کرده بود. برای مثال: میخوانیم بیشتر ایمانداران در اعمال رسولان ۵: ۱۴ که به خدا متحد میشدند و عدد شاگردان در اورشلیم که بغایت می افزود در اعمال رسولان ۶: ۷ و سامریانی که به سوی خدا برگشته بودند و همچنین آن خواجه سرای حبشی در (اعمال رسولان باب ۸). از هیچکدام آنها خوانده نمیشود که بعد از ایمان آوردنشان بزبانها متکلم شده بودند!

اعمال رسولان ۹: ۱ تا ۲۲، تا بینایی بیلبی و از روح القدس پر شوی...، در ایمان آمدن پولس رسول که بزرگترین رسول میباشد این نکته مهم وجود دارد: که در کتاب نمیخوانیم که او زمانی که با ایمان آمد و از روح القدس پر بود بزبانها صحبت کرده باشد، زیرا اول در اول کرنتیان ۱۴: ۱۸ میخوانیم که او بزبانها متکلم شد. البته به این نکته مجدداً مراجعه میکنیم.

در اعمال رسولان ۹: ۴۲ از کسانی که دریافا با ایمان آمده بودند نمیخوانیم که هیچ

کدام آنها که بایمان آمده بودند بزبانها متکلم شده بودند، باینکه زنده شدن غزال
 ماجرای تکانه‌دهنده‌ای بود که همه را تحت تأثیر قرار داده بود.
 حال متوجه میشویم که در اعمال رسولان از باب ۱ تا ۹ تنها یکبار بزبانها اشاره
 میشود آنهم در روز پنتیکاست در باب دوم!
 زیرا انجیل در نقاط مختلف در (قوت) بشارت میشد. در مورد افرادی که به
 خداوند عیسی مسیح ایمان آورده بودند گفته میشود: که آنها از روح القدس پر بودند.
 کلیسای خداوند در بیداری بسر میبرد و ایمانداران پر بودند از:
 قوت در مشارکت: اعمال ۲: ۴۶، ۴۷
 قوت در دعا: اعمال ۴: ۳۱ تا ۳۱
 قوت در از بین بردن مشکلات: اعمال ۶: ۱ تا ۷
 قوت در بشارت: اعمال ۸: ۵
 قوت در رفتار شایسته: اعمال ۹: ۳۱
 و همه اینها بدون اینکه از زبانها قیدی باشد انجام میگرفت.
 جداً غم‌انگیز است که خیلی از مسیحیان به این جملات که کاملاً واضح و آشکار
 هستند، توجه‌ای ندارند و فقط معتقدند که با حرف زدن بزبانها میتوانند در
 زندگی‌شان قوت روح القدس را تجربه کنند. حال به همه آنها در کمال خداترسی
 و فروتنی می‌گوییم:
 در خداوند عیسی مسیح بمانید. و شما محصولات و ثمرات بسیار خواهید آورد.
 زیرا قوت شما در اوست نه در تجربیات. زیرا جدا از او هیچ نمیتوانید کرد.
 (انجیل یوحنا ۱: ۱ تا ۷)

اعمال رسولان ۱۰: ۳۴ تا ۴۸

ایشان را شنیدند که بزبانها متکلم شده خدا را تمجید میکردند. (آیه ۴۶)
 در اینجا برای دومین بار خواننده میشود که ایمانداران بزبانها متکلم شدند. حال
 سؤال پیش می‌آید که چرا در این باب ایمانداران بزبانها متکلم شدند.
 خدا در روز پنتیکاست از پطرس استفاده کرد تا بیهودیان، نجات‌دهنده پر جلال
 را که از مردگان برخاست، بشناساند. و او در این باب نیز از همین موقعیت
 استفاده کرده تا مردمانی را که در خانه کورنلیوس جمع بودند، با منجیمان (عیسی
 مسیح) آشنا کند.
 اما در چه شرایطی خدا از زبانها استفاده کرد؟ و تا چه اندازه زبانها برای بی
 ایمانان نشانه‌ای بحساب می‌آید؟
 برای پطرس چندان ساده نبود که با امتهای نشسته و برخواست کند. خداوند در رویاً
 بگونه‌ای عجیب با او برخورد کرد که او آماده بر این خدمت شده و او را از
 شریعت یهودی که در خود داشت آزاد کرد. (اعمال ۱۰) البته اهالی اورشلیم که از
 اهل ختنه بودند و از رویاً اطلاعی نداشتند، پطرس را ملامت میکردند که چرا او
 با مردم نامختون غذا خورده و با آنها معاشرت دارد، در جایی که یهودیان
 معاشرتی با نامختونان ندارند. (اعمال ۱۱: ۳) پطرس از چگونگی معاشرتش با
 نامختونان و از اتفاقاتی که در منزل کورنلیوس افتاده بود با آنها صحبت میکند. و در

پایان سخنانش عنوان میکند: پس چون خدا همان عطا را بدیشان بخشید چنانکه بما محض ایمان آوردن بعیسی مسیح خداوند، پس من که باشم که بتوانم خدا را ممانعت نمایم؟ (اعمال ۱۱: ۱۸)

آیا میتوانیم از این جریان پند گرفته که نشانه زبانها در روز پنطیکاست می‌رساند که جدایی بین انسانها و قوم یهود پیرداشته شد. — یوسپله مسیح خدا یهودیان و امتها را مانند یک جسم یکی میکند و (دین یهود را برکنار میکند). برای بهتر متوجه شدن، اول فرنتیان ۱۲ و افسسیان ۲ را بخوانید، پس نشانه زبانها فکر خداوند را در این زمینه میرساند.

اعمال رسولان ۱۳: ۴۸ تا ۵۴... آنانی که برای حیات جاودانی مقرر بودند ایمان آوردند... و شاگردان پر از خوشی و روح القدس گردیدند.

انطاکیه که در پیسیدیه قرار داشت، شهادت از اعمال بشارتی و اولیه پولوس و برنابا را می‌دهد. یهودیان بشارت را قبول نکردند ولی خیلی از امتها به خداوند عیسی مسیح ایمان آورده و مسیحی شدند. اما در کتاب خوانده نمیشود که یکی از آنها بعد از اینکه با ایمان آمد بزبانها متکلم شد! با وجودیکه همه از روح القدس پر بودند.

در ادامه کتاب اعمال رسولان از ماجراهای تکانه‌دهنده سه مسافرت پولوس رسول نوشته شده که بجز یک مورد خاص، هیچکدام از کسانی که توسط او با ایمان آمده بودند، متکلم بزبانها نشدند. حال آن مورد خاص:

اعمال رسولان ۱۹: ۶ تا... و چون پولوس دست بر ایشان نهاد، روح القدس بر ایشان نازل شد و بزبانها متکلم گشته نبوت کردند....

موقعیتی که در آخرین مورد تکلم بزبانها در اعمال رسولان می‌آید، فرق کاملاً بزرگی با دو مورد اولی که در کتاب اعمال رسولان می‌آید، دارد. در اورشلیم تماشای روز پنطیکاست و عطایای زبانها، نشانه ای بود برای عده کثیری از یهودیان که در آنجا جمع شده بودند. (اعمال باب ۲)

در دومین مورد برای عده ای از دعوت شدگان و شاهدانی که در قیصریه و در منزل کرنیلیوس جمع شده بودند، اتفاق افتاد. زیرا خدا از این مسئله بعنوان نشانه ای برای یهودیان که پر از مخالفت و حکم بودند، استفاده میکند.

حال میرویم سراغ افسس که چرا زبانها دوباره در آنجا عنوان میشود؟ این شهر از مشهورترین شهرهای آسیا بشمار میرفت که مجسمه دیانا را در بتکده ارطامیس نگهداری کرده و دارای بازار بزرگ داد و ستد و پر از مذاهب مختلف و نفوذ سیاسی، بود.

اول از همه باید بعمل بزرگ خدا در افسس بنگریم، زیرا مردمان زیادی در آنجا با ایمان آمدند. پولوس رسول تقریباً دو سال در آنجا زندگی کرد. این شهر مرکز زندگی خیلی از یهودیان و یونانیانی بود که در آنجا کلمات خدا را شنیدند. (اعمال ۱۹: ۱۰) این شهر شاهد معجزات بزرگی که توسط پولوس رخ داده، بوده و از طرفی هم شاهد شکست یهودیانی که میخواستند قدرت خدا را تقلید کنند. در این

شهر کتابهای جادو و شعبده بازان که حدوداً به پنجاه هزار در هم بود، توسط کسانی که تازه بایمان آمده بودند، به آتش کشیده شد. در نتیجه آتش غضب هنرمندان و مجسمه سازان شعله ور شد. زیرا میترسیدند که دیگر نتوانند براحتی کاسبی کنند، زیرا شورش عظیمی در باره طریقت بر پا شد. با وجود همه اینها در این شهر کلمات خدا در قوت و قدرت رشد می کرد. حال کتاب مقدس از میان همه انسانهایی که در آن زمان در افسس بایمان آمده بودند، فقط به دوازده نفر از مردمانی که به زبانها سخن میگفتند اشاره میکند!

نکات مختص به این دوازده نفر را بررسی میکنیم:

- ۱- آنها به تعمید یحیی غسل تعمید گرفته بودند.
- ۲- آنها تا قبل از صحبت با پولوس نمیدانستند که روح القدس داده شده است.
- ۳- بعد از اینکه بنام عیسی مسیح تعمید گرفتند و چون پولس دست برایشان نهاد، روح القدس برایشان نازل شد و بزبانها متکلم گشته و نبوت کردند.

آیا سخن گفتن این دوازده نفر بزبانها نیز برای بیایمانان بود؟

جوابش واضح است. زمانی که همه گذارشات آمده در این رساله را میخوانیم متوجه میشویم که در چنین شهری مردمانش زیر سلطه خدایان دیانا و ارطامیس بوده و پر از یهودیان اورتودوکس و جادوگران یهودی و یونانی و غیره بود. خدا این دوازده نفر را که بنام عیسی مسیح ایمان آورده بودند، انتخاب کرد تا به این شهر قدرت روح القدس را نشان دهد و علامات بسیاری در خصوص شفای بیماران و خارج کردن ارواح خبیثه و غیره توسط پولس رسول. این مسئله مسیحیت را در جهان محکم کرده و اثر ادیان یهود و امتهای را ضعیفتر کرد. و همانطور که در اعمال رسولان ۲۰: ۱۷ تا ۳۵ میخوانیم: زمانی که پولس رسول کشیشان کلیسا را طلبید، صحبتی از زبانها و نشانه ها و علامات نمیکند. همچنین سالهای بعد در رساله ای که به افسسیان مینویسد هیچ اشاره ای از این علائم و یا مهم بودنشان نمیکند، بلکه روح خدا او را بیشتر به واقعیات و مکاشفات راهنمایی و هدایت میکند تا قلبها را با واقعیات گرانبها در عیسی مسیح آشکار و مشغول کند. «پس در اینصورت شهادتات و بشارت انجیل توسط کلام در رساله ها نوشته و مهر و محکم شده و دیگر احتیاجی بعلامات و زبانها و عطیای روحانی نبوده و نخواهد بود.»

زبانها در رسالات عهد جدید:

در تنها رساله ای که از زبانها قید میشود، رساله اول قرننیا میباشد. حال تعلیم این رساله را در رابطه با زبانها وقت بررسی میکنیم:

برای شروع باید اشاره کرد که مسیحیان در قرننیا رفتاری شایسته و پر از روح القدس نداشتند. زیرا نامه های پولس بقرننیا پر از نصایح و انتقاد از آنها و بانها بود.

- ۱- زیرا در میانشان جدایی ها و عدم تفاهم بود. (۱: ۱۰ تا ۱۳)
- ۲- زیرا جسمانی بوده و بطریق انسان رفتار مینمودند. (۳: ۱ تا ۵)

- ۳- زیرا خود را در این جهان حکیم میپنداشتند. (۳: ۱۸ تا ۲۳)
- ۴- زیرا تکبر میکردند و خود را از دیگری برتر دانسته و در مسیح بیکدیگر فخر نشان میدادند. (۴: ۶ تا ۲۱)
- ۵- زیرا گناه را در کلیسا نادیده گرفته و جدی نگرفتند و در بی انضباطی بسر میبردند. (باب ۵)
- ۶- زیرا بر یکدیگر مدعی شده و ادعا و دعوایشان را نزد ایمانان برده و بر یکدیگر داوری میکردند. (باب ۶)
- ۷- زیرا در رابطه با ازواج و معاشرت مرد و زن باید نصیحت میشدند. (باب ۶ و ۷)
- ۸- زیرا از دانایی خود چنان متکبر بودند که هیچگونه مراعاتی نسبت به برادر کوچکتر خود نداشتند. (باب ۸)
- ۹- زیرا آنها در خطر برگشت روحی به بتپرستی و زنا و اکل و شرب و لهو و لعب بودند. (باب ۱۰)
- ۱۰- زیرا بدن خداوند را تمیز نمیکردند و با دیوها هم پیاله شده و میز خداوند را ناپاک کرده بودند، در نتیجه خیلی از آنها بیمار و یا ضعیف و بسیاری خوابیده بودند. (باب ۱۱)
- مطمئناً همه با وجود اینهمه مشکلات خود را آلوده و مقصر کرده بودند. اما ما با عنوان این تذکرات در کتاب مقدس میتوانیم دلیلی را که پولس رسول برای بدست آوردن عطیای روحانی در باب ۱۲ تا ۱۴ عنوان میکند، را بفهمیم. او خود را ناچار دیده تا قرننیان را در سواستفاده از زبانها نصیحت کند. همانطور که آنها را از کارهای ناشایسته قبلیشان که در بابهای قبلی ذکر شده، متذکر، تصحیح و نصیحت میکند. حال سؤال پیش میآید که چرا عطیای روحانی برای قرننیان اینقدر مهم بوده در جایی که برای مسیحیان در کولسی و سالونیک و فیلیپی و خیلی از نقات دیگر آنقدر مهم نبوده؟ آیاتی را که در این رابطه میخوانیم نوری برای این سؤال مینشانند.

اول قرننیان ۱۲: زیرا یکیرا بوساطت روح کلام حکمت داده میشود و دیگریرا کلام علم بحسب همان روح و یکیرا ایمان بهمان روح و دیگری را نعمتهای شفا دادن بهمان روح و یکی را قوت معجزات و دیگری را نبوت و یکیرا تمیز ارواح و دیگریرا اقسام زبانها و دیگریرا ترجمه زبانها. (آیه ۸ تا ۱۰)

اول باید عمل روح خدا را در تأثیرات روحانی مشاهده کرده و بعد عطای زبانها را بررسی کنیم.

۱- اوبه تنهایی انسانها را به حدی میکشاند که عیسی را بعنوان خداوند خود بشناسند. (۳: ۱۲)

۲- او رحمت را بشکلهای مختلف برای هماهنگی و خوشحالی بدن مسیح و خواسته ای که خدا در نظر گرفته است، هدیه میکند. در رساله رومیان ۱۲ و افسسیان ۴ این مسئله را یاد میگیریم که در درجه اول هدف از عطیای روحانی رشد و بنای آن شخص نیست.

۳- او عطایای روحانی را تقسیم میکند، بنا پخواستہ خداوند. (آیه ۱۱) ممکن است که ایمانداران راسخی باشند که از صمیم قلب در دعاها و روزه و ریاضتها از خدا تقاضای عطایای روحانی کنند، اما خداوند بدین شکل به آنها نخواهد داد. زیرا او هیکل و بدن مسیح را در نظر دارد، و اینکه هر کدام از اعضا کار بخصوصی را در بدن انجام میدهد.

لکن الحال خدا هر يك از اعضا را در بدن نهاد بر حسب اراده خود. و اگر همه يك عضو بودی بدن كجا میبود. اما الآن اعضا بسیار است لیکن بدن يك. (آیات ۱۸، ۱۹، ۲۰) خدا به کلیسای خود بنا به حکمت و مشورت خدایی خود، عطایا میبخشد. (آیات ۲۸ تا ۳۱ را بخوانید) برای مثال پا را که یکی از اعطای بدن است در نظر میگیریم: اگر پا نسبت به دست حسودی کرده و بخواهد کار دست را انجام دهد و همینطور دست بخواهد عمل گوش را انجام دهد (که غیر ممکن میباشد) و یا بعضی از اعضای بدن متحمل اعضای دیگر نشده و به آنها بگویند بشما احتیاجی نداریم، چه خواهد شد. حال چه بدن ما و یا چه بدن مسیح، آیا نامربوط و احمقانه نمیشد؟ ما باید متحمل یکدیگر باشیم و بهمدیگر مرتباً کمک کنیم، و مکان و موقعیتی را که خدا بما داده است با شکرگزاری از دست او قبول کنیم. مطمئناً نباید عطایایی را که خدا بما داده نادیده گرفته و سرسری بگیریم، بلکه آنها برافروزیم. (اول تیموتائوس ۴: ۱۴ دوم تیموتائوس ۱: ۶) این نصیحت آخر نشان میدهد که ما خوانده شدیم تا چیزی را که بدست آورده ایم فروخته و مورد استفاده قرار دهیم.

بدون شك سعی اصلی ما باید برای رسیدن به نعمتهای بهتر باشد. (اول قرننتیان ۱۲: ۳۱ و ۱۴: ۱) اما ایمانداران در قرنتس بدلیل جسمانی و حریص بودنشان از روی خواسته شخصی و اراده شخصی و جستجوی در خود، خواهان رسیدن به این عطایا بودند. بدین دلیل پولس رسول مرتباً از آنها میخواست در درجه اول محبت را دریابند. (یعنی بزرگترین عطا را) پس در جایی که آنها را به رسیدن عطای بزرگتر یعنی محبت تشویق میکرد، منظورش این نبوده که خود را بالا کشیده و بنا کنند، بلکه برای بنای بدن مسیح و خوشحالی و سلامتی کلیسا.

حال تعلیم عطای زبانها را در اول قرننتیان باب ۱۲ بررسی میکنیم:

- ۱- زبانها عطای روحانی بودند که توسط روح القدس و اراده خدا به بعضی از اعضای بدن مسیح و اگذارده شدند.
- ۲- متکلم بودن بزبانها دلیل به تعمد با روح القدس نبوده، بلکه در کتاب میخوانیم که: زیرا که جمیع ما در يك بدن تعمد یافتیم. (آیه ۱۳)
- ۳- همه بزبانها متکلم نبودند، همانطور که همه رسول و یا نبی و یا معلم نبودند. (آیه ۲۹ و ۳۰)

اول قرننتیان باب ۱۳: محبت هرگز ساقط نمیشود.... و اگر زبانها انتها خواهد پذیرفت. (آیه ۸)

باب ۱۳ مانند يك غزل و یا يك قصیده نیست، بلکه پیشگویی و چگونگی استفاده از عطایای روحانی را در زندگیمان، نشان میدهد. زبانها، نبوت، دانستن اسرار و

حتی ایمان و سلامتی بدون محبت، خالی و بی ارزش میباشند.
چگونگی استفاده از محبت را در آیات ۴ تا ۷ بررسی میکنیم:
- محبت حلیم و مهربانست.... (من هیچوقت از محبت مانند يك چماق ویا گرز برای بنای برادرم استفاده نمیکنم.)
- محبت حسد نمیبرد.... (من هیچوقت بعطایایی که نه بمن بلکه به برادرم داده شده است حسد نخواهم ورزید.)
- محبت کبر و غرور ندارد.... (من هیچ وقت بخاطر داشتن عطایایی که دارم خود را بالاتر از ایمانداران دیگر نمیدانم.)
- محبت اطوار ناپسندیده ندارد.... (من نمیگذارم که احساساتم نسبت به عطایایی که بمن واگذار شده غلبه کنند.)
- محبت نفع خود را طالب نمیشود.... (من بیشتر خوشحالی و آرامش بدن مسیح را ارزشمندم تا خواسته و خوشحالی خودم را.)
- محبت خشم نمیگیرد و سوء ظن ندارد.... (اگر کسی مرا عملاً بمبارزه تحدید کند، عکس العملی از خود نشان نداده و به او دشنام و نسبت بد نمیدهم.)
- محبت از ناراستی خوشوقت نمیگردد ولی با راستی شادی میکند.... (راستی که در عیسی مسیح است، افسسیان ۴: ۲۱، این نقطه مرکزی رابطه و خوشحالی من با همه مسیحیان در همه جا خواهد بود.)
در آیه ۸ پولس رسول مینویسد که اگر زبانها، انتها خواهد پذیرفت. باخواندن باب ۴ میتوانیم دلیل وجود این عطایا را بهتر توضیح دهیم. در اینجا تکیه ای از زمان و مکان و یا چگونگی انتهای زبانها صحبتی نمیشود بلکه بیشتر از راستی گرانبهایی که محبت باشد صحبت میکند، در اینکه محبت هرگز ساقط نمیشود. برعکس نبوتها که نیست خواهد شد و زبانها انتها خواهد پذیرفت و علم زایل خواهد گردید. زیرا جزئی علمی داریم و جزئی نبوت مینماییم. (و صحبتی از زبانها دیگر نمیشود)
و در آیه ۹: لکن هنگامی که کامل آید جزئی نیست خواهد گردید. زمانی که با خداوندمان عیسی مسیح در جلالش در آسمان باشیم دیگر احتیاجی به آینه نداریم که بطور معما باشد بلکه آنوقت از روبرو او را خواهیم دید. الان جزئی معرفتی داریم لکن آنوقت خواهیم شناخت چنانکه نیز شناخته شده ایم.
کاشکه زندگیمان بیشتر از محبت خداوند مملو و هدایت شود. زیرا محبت جزو یکی از بزرگترین چیزهایی است که (می ماند.)

اول قرنتیان باب ۱۴: ۲۲ (پس زبانها نشانی است نه برای ایمانداران بلکه برای بی ایمانان.)

همانطور که می بینیم پولس رسول بیشتر از یکبار تکیه میکند که نبوتها و زبانها جزو آخرین عطایا می باشند. چرا؟ چونکه کسی که نبوت میکند برای نصیحت و بنا و تسلی صحبت میکند، اما کسی که بزبانی میگوید خود را بنا میکند. (آیه ۳ و ۴) حال باید متوجه باشیم که نبوت به معنی آن نیست که از آینده پیشبینی شود، بلکه فکر و خواسته خداوند را در آن زمان و مکانی که ایمانداران هستند شناسایی کند. کسی که بزبانی میگوید، کلیسا را بنا نمیکند. مگر اینکه ترجمه شود. بنابراین در

جایی که کسی بزبانی که نه خود و نه دیگران میفهمند دعا کند، نباید آمین گفته شود. چونکه قابل درك نیست. در جایی که پولس رسول در آیه ۱۱ کسانی را که بزبانی که نمیفهمند میگویند، بربری مینامد و ادامه میدهد که همچنین شما نیز چونکه غیور عطیای روحانی هستید بطلبید اینکه برای بنای کلیسا افزوده شوید. (۱۴: ۱۲)

۱- صدایی قابل فهم داده شود. (آیه ۷ و ۸)

۲- بزبانی قابل درك و مفهوم صحبت شود. (آیه ۹)

۳- کلمتی بکار برده شود که برای خیریت و نفع شنونده مفید باشد.

در خاتمه پولس رسول فرق و فایده زبانها و نبوتها را در اینکه به چه دردمان میخورد، توضیح می دهد. زبانها نشانه ای هستند برای بی ایمانان. این مسئله واضح در ادامه این بحث برایتان روشنتر میگردد.

مقصود از زبانها چیست؟

اگر به نصیحت پولس رسول در آیه ۲۰ توجه کنیم، می بینیم که مینویسد: در فهم اطفال نباشید بلکه در بد خوئی اطفال باشید و در فهم رشید.

در آیه ۲۱ و ۲۲ جملاتی را از اشعیای نبی باب ۲۸: ۱۱ و ۱۲ را می خوانیم. حال مهم این است که مفهوم زبانها را در این جملات ببینیم.

خداوند میگوید: بزبانهای بیگانه و لبهای غیر با این قوم سخن خواهم گفت و با این همه مرا نخواهند شنید.

عبرانیان ۱: ۱۰

خدا از طرق مختلفی برای سخن گفتن با قوم خود اسرائیل استفاده کرد، اما اسرائیل نخواست که بشنود. او در نهایت صبر با آنها صحبت کرد. زیرا که حکم بر حکم و حکم بر حکم، قانون بر قانون و قانون بر قانون، اینجا اندک و آنجا اندکی خواهد بود. و به ایشان گفت راحت همین است. پس خسته شدگان را مستریح سازید و آرامی همین است، اما نخواستند که بشنوند. و کلام خداوند برای ایشان حکم و قانون خواهد بود تا بروند و به پشت افتاده منکسر گردند و بدام افتاده گرفتار شوند. (اشعیای نبی ۲۸: ۱۰ تا ۱۳) خدا از زبانهای قومی دیگر مانند آشوریان که از جمله گمشدگان و رانده شدگان در اسرائیل بوده بعنوان نشانه ای از نزدیک شدن حکم در اسرائیل، استفاده میکند.

حال یکبار دیگر اول قرن نهم ۱۴: ۲۲ را بخوانیم: پس زبانها نشانه ای برای ایمانداران نمیباشد بلکه برای بی ایمانان. همانطور که زبان بیگانه آشوری در زمان اشعیای نبی نشانه ای از طرف خدا به اسرائیلیان بوده تا نزدیک بودن حکم را بدانند، در زمان رسولان نیز زبانها نشانه ای برای حکم به بی ایمانان اسرائیلی بود. آیا این حکم انجام شد؟ اگر به تاریخ رجوع کنیم سرنگونی اورشلیم را که توسط تیتوس در سال ۷۰ بعد از میلاد مسیح بوقوع پیوست، مشاهده میکنیم. با در نظر گرفتن زبانها در رابطه با یهودیان که هنوز ایمان نیاورده بودند، این حکم از طرف خدا انجام شد، همانطور که در زمان اشعیای نبی نیز آن وقایع و حکم از طرف خدا انجام شد.

در نتیجه میتران گفت: از زمانی که عهد جدید (کتاب مقدس) کامل و پایان یافت دیگر اعتباری به نشانه ها و زبانها وجود ندارد. بلکه کلمات خدا در قوت روح

القدس در وجدان و قلب انسان کار کرده تا او را با خواسته خدا آشنا کند. (رومیان ۱: ۱۶) با توجه به اینکه بعد از نوشتن رساله قرنتیان و اعمال رسولان، در هیچ رساله ای دیگر از زبانها قیدی نمیشود.
در خاتمه:

حال با در نظر گرفتن هدف خداوند از وجود زبانها در کتاب، سؤال اولمان را در رابطه با اینکه آیا ما باید بزبانها سخن گوئیم، بررسی میکنیم:

۱- حال میدانیم که چرا پولس از زبانها صحبت کرد و در ضمن اضافه میکند که چرا بزبانها سخن گفتن در کلیسا فایده و سودی ندارد، بجز اینکه حتماً ترجمه شود.
۲- حال میدانیم که چرا پولس بیشتر از همه ایمانداران دیگر بزبانها صحبت کرد. (اول قرنتیان ۱۴: ۱۸) او بعنوان يك مبشر به وظیفه خود آشنا بوده و مرتباً از شهری به شهری دیگر مسافرت کرده تا به یهودیان آن شهر، بشارت دهد. در نتیجه خدا به او قوت زبانها را عطا کرد تا بتواند بزبانهای آن مردم کلمات خدا را بشارت دهد.

۳- حال میدانیم که چرا پولس کسانی را که از زبانها سوء استفاده میکردند مخالفت و تأدیب میکرد. زیرا آنها برای بنای شخصی و بزرگ نشان دادن خود طالب رسیدن به این عطایا بوده و میخواستند خود را روحانی‌تر از دیگران نشان دهند. در جایی که دلیل از زبانها برای بنای بی ایمانان و نشانه‌آی نیز برای بی ایمانان بود.

۴- حال میدانیم که چرا پولس به ایمانداران گفت: خواهش دارم که همه شما بزباها صحبت کنید. زیرا عده زیادی برای استفاد شخصی و بنای شخصی خواهان تکلم بزبانها بودند و پولس آنها را نصیحت کرد که برای بنای کلیسامتکلم شوند، تا زمانی که حکم خدا بر اسرائیل در سال ۷۰ میلادی آمد. پس زبانها نشانه ای برای آن حکم و آن قانون در آن زمان در اسرائیل بود و بوقوع پیوست.
۵- حال میدانیم که فقط در سه موقعیت در اعمال رسولان از زبانها قید میشود. بدون شك خداوند در آن زمان از این نشانه در مراتب مختلفی استفاده کرده است. ولی کتاب فقط این سه دفعه را عنوان میکند.

اولین بار در مرکز یهودیان در اورشلیم. (اعمال رسولان ۲) و بعد در اجتماع یهودیان و امتها. زیرا یهودیان و امتها بنا به رحمت خداوند به بدن عیسی مسیح تعلق پیدا میکنند و دین یهود بر کنار میشود. (اعمال ۱۰ و ۱۱) در مرحله دیگر در افسس بود. شاید خداوند از این شکل و از این شیوه استفاده کرد تا با یهودیان بی ایمانی که در زمان امپراتوری روم در افسس پراکنده بودند، سخن گوید.

معنی اصلی زبانها که در اعمال رسولان از آن قید میشود بنا به تعلیمی است که در اول قرنتیان می آید. زبانها عطایای روحانی بودند که برای بی ایمانان داده شده بودند، اما در هیچ زمان بمعنی آن نبود که کسانی که همکس روح القدس را دریافت کرده به زبانها سخن بگویند یا نشانه‌ای روح القدس برای ایمانداران است.

مُراوند از زبانه‌ها در کلامش به ما گزارش

میدهد، پس باید او را حمد و ستایش کنیم که آنچه را که میبایست بفهمیم بما آشکار کرده و آنچه را که احتیاجی به دانستن آن نیست از ما مخفی گذاشته است.
۶- آرزوی قلبی مان را با آیاتی از کولسیان برای آنانی که نسبت به سؤال زبانه‌ها ناآرام بودند، عنوان میکنیم.

پس چون با مسیح بر خیزانیده شریز آنچه را که در بالاست بطلبید. در آنجائیکه مسیح است بدست راست خدا نشسته. در آنچه بالاست تفکر کنید. نه در آنچه بر زمین است. زیرا که مرید و زندگی شما با مسیح در خدا مخفی است.

www.Lifelinehere.com